

یادها و تجربه‌ها

خاطرات نورالله «نورمن» گبای

برگ هفتم

ویراستار: پیمان اخلاقی

The English translation of this Album Leaf will follow soon.

دو خاطره و دو اندرز

در باب دوستی

درباره دوستی هرچه گفته شود کم است. بگذارید از تجربه ای شخصی آغاز کنم. سالها پیش، بر سر موضوعی بسیار مهم با چند تن مشورت کردم. یکی از نزدیکان که موضوع را شنیده بود، به من تذکری داد که صرفاً از آن رو که به اصطلاح آستینش کهنه بود و آدم باشخصیتی نمی نمود، به نصیحتش توجهی نکردم. چندی بعد که کار از کار گذشت، متوجه شدم که اگر از راهنمایی آن مرد نیکخواه پیروی کرده بودم، چنان ضرری را تحمّل نمی کردم. در واقع خیرخواهترین و آگاهترین دوست در میان نزدیکانم همان کسی بود که به دلیل ظاهر بی وجهه اش، به او اعتنایی نکرده بودم. به این نتیجه رسیدم که هرگز نباید تنها به گوینده و ظاهر او نگریست، حال هر که می خواهد باشد، بلکه باید دید که او چه می گوید و چه نوشته است. نباید کتاب را از روی جلدش داوری کرد، بلکه باید محتوای آن را ارزشیابی نمود. اعتبار گوینده برای پذیرش گفته هایش کافی نیست، چرا که انسان با شخصیت و معتبر نیز گاه اشتباه می کند. به قول معروف، شنونده است که باید عاقل باشد.

دوست و انسانی یافت نمی شود که کامل یا «پرفکت» باشد. به تجربه آموخته ام که هرکس باید دوستان متعدّد با تخصّص های گوناگون داشته باشد تا هریک به نوعی برایش سودمند باشند و از معاشرت با آنها لذت ببرد. برخی دوستان همسفر خوبی هستند، برخی به هنگام سرگرمی فوق العاده خوش مَشرَبند؛ و دوستان دیگری نیز هستند که می توان با آنان مشورت کرد و از اندرزشان بهره برد. باید در انتخاب

دوست دقت کرد و عاقلترین و فهمیده ترین آنان را برگزید. کیفیت دوستان از شمار آنان مهم تر است. همچنین به یاد بسپیریم که دوست خوب کسی است که کمبودهایمان را به خود ما گوشزد کند، چونان که به قول شاعر، «دوست آن به که عیب مرا رو به رو گوید / نه آن که چون شانه، پشت سر رود و مو به مو گوید.» اگر در جمعی به کسی برخوردید که از دوستان یا آشنایان خود غیبت می کند، از او دوری کنید و نگذارید که شما را از نزدیک بشناسد؛ وگرنه هم او بر مبنای طینت و عادتش، روزی دیگر از شما غیبت و بدگویی خواهد کرد.

دوستی در زندگی مشترک نیز بسیار مهم است. خوشا به حال همسرانی که پیش از آن که زن و شوهر باشند، با یکدیگر رفیق هستند، طرز فکر مشترکی دارند و نگاهشان به هر موضوعی نزدیک یا همسان است. این دسته از همسران زبان یکدیگر را بهتر می فهمند و زندگی خیلی بهتری خواهند داشت. همسران به ویژه با یکدیگر و نیز با فرزندان خود منافع مشترک فراوانی دارند و از این رو می توانند دوستان خوبی باشند و از زندگی هرچه بیشتر لذت ببرند. خوشبخت ترین خانواده ها از همین دسته هستند. از همین رو به جوانان باید آموخت که در دوران نامزدی و حتی پیش از آن، کوشش کنند تا طرف مقابل خود را بهتر بشناسند و میزان همفکری خود را بسنجند که مبادا پس از ازدواج به دوراهی کشیده شوند. تجربه نشان داده است که وقتی پدر و مادری راههای متضادی را در پیش می گیرند، همسان نمی اندیشند و پیوسته با یکدیگر بگومگو دارند، فرزندانشان سرگردان بار می آیند و احتمالاً به نوبه خود همسران خوبی نخواهند شد. در مقایسه، کودکی که در محیطی پر از عشق و محبت بار می آید، از خصوصیات بسیار خوشایندی برخوردار خواهد شد. در مجموع، جوانان باید راه خودشان را سنجیده برگزینند تا وقتی به زندگی حقیقی پا گذاشتند، از انتخاب خود راضی باشند. امیدوارم که همگی به اندازه کافی دانا و آگاه باشیم و به رهبری عقل خود، به ویژه در دو امر بسیار مهم «دوست یابی» و «انتخاب همسر» درست تصمیم بگیریم.

در باب غرور و تکبر

پادشاهی مقتدر و تندرست در اوج غرور از وزیرش پرسید، «آیا از ما سالمتر و نیرومندتر در دنیا بوده یا هست؟» وزیر خردمند گفت، «این حقیر صغیر فدایتان! تا حضرتتان در قید حیات است، این سؤال را جوابی نشاید، که میزان عاقبت جلال ملوکانه است و معیار، احوال همایونی به وقت عزیمت به عالم باقی!» به بیان دیگر، «تا پایان شما چگونه باشد...»

در آمریکا به خانواده ای برخوردیم که پیش از ترک ایران، بسیار موفق و ثروتمند بودند. حالشان را جویا شدم. از رفاه مالی گذشته شان خبری نبود. بانوی خانواده گلایه کرد که برخی از شاگردها و پادوهای قدیمشان در اینجا بسیار موفق و ثروتمند شده اند ولی خودشان به جایی نرسیده اند. می گفت، «آنها ما شدند و ما آنها شدیم.» از خود پرسیم که غرور و تکبر برای چه؟ هیچ کس از فردا خبری ندارد. خوشا به حال کسانی که عاری از غرور و نخوت هستند. به قول حضرت سلیمان، «خوشبختی آن است که غنی باشی و گمنام.» تکبر و تفخر همچون صدای بلندِ طبلی توخالی است؛ حال آن که بسیاری را دیده ام که در کمال موفقیت اما عاری از تکبر، آرام، بی اندازه متواضع و دوست داشتنی بوده اند.

بی مناسبت نیست که این «برگ از آلبوم» را با حکایتی شیرین از طبل های توخالی به پایان برم. در یک مهمانی دوستانه، شخصی ادعا می کند، «در ایران باغی داشتیم چنان بزرگ که از این سو تا سوی دیگرش با اتومبیل یک ساعت راه بود!» این گزاره گویی آشکار حاضران را به سکوت فرو می برد. تا این که میزبان رو به مهمانی دیگر می کند و می پرسد، «شما چرا ساکت نشستید؟» مهمان که از اهالی کاشان بوده است، سری می جنباند و می گوید، «والله ما هم در ایران اتومبیلی داشتیم که یک ساعت طول می کشید از این سر تا آن سر باغ برود!»

روز و روزگارتان خوش.

نورالله «نورمن» گبای

یکم فوریه 2022، لس آنجلس

(بازنویسی: ژوئن 2022)

آدرس وبسایت نورالله «نورمن» گبای در اینترنت:

www.BabaNouri.com

این وبسایت حاوی آرشیوی از نسخه های رایگان مقالات، یادداشت ها و کتابهای ایشان به زبانهای فارسی و انگلیسی، از جمله کتاب *لحظاتی برای تفکر، دیکشنری گویش یهودیان کاشان*، و به زودی همگام با زمان (در دست تهیه) می باشد.